

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومه (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دیر اداره آشیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

هفتاد و دو روزنامه

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراک سالانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت یک نسخه)
در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان سطر
دو قران است

(روزنامه یومه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بامضا قبول و درانتشار اداره آزاد است و مطلقاً مسترد نمی شود)

پنج شنبه ۲۴ محرم الحرام ۱۳۲۶ هجری قمری و ۱۳ اسفندماه جلالی ۸۲۹ و ۲۷ فوریه ۱۹۰۸ میلادی

(هر کس شاهنامه مملکت خود را می خواند)
عادت کلیه طوایف اتم و ملل عالم بر این است که
در مقام تفاخر و اظهار اصالت و تقدم خود تاریخ باستان و
داستان قدیم خود را سند بزرگی و شاهد نجات خودی
شمارند و باسخوان پوسیده ابائی و عظام رمیم اجدادی
خویش بر دیگران مفاخرت می جویند و دلیل بر بزرگواری
و رفعت مقام خود می دانند هر ملتی بزرگی و سیادت را
منحصر بخود دانسته عزت و شرافت را مخصوص خود می
شمارند دیگران را در مقام فضل و علم خوشه چین خرمن
کلات خود می خوانند و در موقع نجات و اصالت مملوک
و رعیت خویش می بندارند بهر چه در دست دارند مقتدر
و شادند و از غم آزاد و بدیگران بی اعتنا و بی اعتقاد
(کل حزب بمالدهیم فرحون) این عادت تا چندی قبل در
تمام ملل روی زمین ساری بود مخصوصاً در زمان قدیم
که مردم در بادیه جهالة و غفلة بسر می بردند و از عالم
مدنیت و انسانیة بکلی بی خبر و بمعنی اصالة و نجات بی
نبرده بودند و با یکدیگر روابط تجارت و سیاست و پلتیکی
نداشتند در این عقیده بی فایده کمال مبالغه را می نمودند و
در اثبات ادعای خود افسانه می سرودند — پس از
آنکه نور تمدن عالم را فرا گرفت و آفتاب علم و دانش بر
صفحه خاک تابیدن یافت کم کم ادمنه خلق قوت گرفت
و خیالات مردم بلند و افکارشان عالی شد اندک اندک بی
بمعانی بزرگی و شرف بردند و حقیقت رفعة و علو مقامرا
در علوم و صنایع و ثروت و تجارت و سلب ذلة احتیاج از
غیر دانستند از افتخار ابائی و شرف اجدادی خود دست
کشیده در پی تحصیل سعادت و جلب عزت و افتخار امروزی
خود برآمدند ولی غالب ملل آسیائی عموماً و ایرانیان

خصوصاً بهمان عقیده و عادت باقی مانده و ثابتند چنانکه
ماتة چین دولت خود را دولت آسمان و سلطان خود را
شاهنشاه وسط خطاب میکنند و اعتقادشان این است که مملکت
انها در وسط دنیا اتفاق افتاده و ملل دیگر در اطراف
انها مانند ستاره های کوچک در اطراف آفتاب پراکنده
شده اند و تمام علوم و صنایع از ایشان در دنیا نشر شده
و ملل عالم تمام رعیت و بنده آنان بوده اند و چندی قبل
معتقد بودند که دولتی غیر از آنان در عالم نیست و هیچ
کس با آنان قوت مقابلی و مقاومت ندارد ولی امروز
ابد این اظهارات بکسی چیزی نخواهند داد و این تفاخرها
یکذره بحالة حاله قلع نخواهد رسد و باعث سرافرازی
و خود نمائی نخواهد بود بلکه مزید خجالت و مایة
شرماری خواهد گشت چنانکه ما ایرانیان هنوز از
استماع افسانه های جعلی کیخسرو و افراسیاب و جنگهای
رستم و قضا کوان دیو و سرخاب دیو که تمام موهومات
صرف است در قهوه خانها لذت می بریم و عمر را
بغفلة و خسارت بسر می بریم از همه بدبختی بدتر که
از نادانی دوست و دشمن خود را تمیز نداده و موهومات
جعلی از فتوحات اسکندر که دشمن ایرانیان و ویران
کننده ایران است افتخار می کنیم و از این تقالید و هرزه
گوئیها که باعث اتلاف مال و عمر و فساد اخلاق می است
جلو گیری نمی کنیم و از خضرش نمی اندیشیم در مقابل
عظمت و اقتدار امروزی دول بقوت و اقتدار سه هزار
سال قبل و عهد پیشادایان و استقلال کاینان مینازیم و
در عوض توپ مکسیم و مترابوز و سایر آلات جدیدة
البروز به تیر و کمان رستم دستان و کوزه کوسار سام نریزان
میبالیم از قتلک های ده تیره و بارود بی صدا و دود بانداختن

فلاخن و پرتاب کردن زوین سخن می رانیم و در موقع اظهار علم و صنعت با اینکه از همه چیز بی خبریم با تار قدیمی تحت جنید فارس مفتخریم و تمام صنایع و بدایع امروز را از قتلار آهن و تلبکراف و تلفون و فونکراف و کشتیهای زره پوش جنکی و سفاین نظامی هوایی و آلات دفاعیه و قوای کهربائی همه را از آنجا مقبوس می دانیم و در برابر رشادت و دلیری (امیرال توکو) و (جنرال نوزو از کبو و کودرز و دگر هست از پهلوانان ایرانی مفاخره می کنیم و باین تفاخرات دست روی هم گذاشته و بیکار نشسته ایم خود را اعظم و اقدم ملک عالم می پنداریم بکمان اینکه دول امروزی ملاحظه شرف و سیادت ما را کرده و از ترس اسم رستم و اسفندیار متعرض حال ما نخواهند شد و تجاوز بکشور ما نخواهند کرد جان میکنند و کار میکنند از برای راحتی ما مزدور و حمال میند اینهمه صنایعی که اختراع کرده و البسه و اتمه که ساخته اند محض خاطر ماست که اسباب تجمل و بزرگی خود کنیم و در کمال آسایش بنشینیم بگذره از استقلال و عظمت و قدرت و شوکت ما کاسته نخواهد شد — خوب حالا به بینیم واقعا همین طور است باین تفاخرات چیزی بار ما خواهند کرد یا چیزی خواهند داد ؟ ملک دیگر هم ما را صاحب فضائل و شئونات میدانند و بما بچشم بزرگی و آقائی نگاه میکنند و احترامات جنید و فرید و نزا درباره ما مامری خواهند داشت آیا این مفاخرات برای ما نان و آب میشود ؟ کیفیت از ثروت ما خواهد کرد ؟ آیا ما را مستغنی از علوم امروزی خواهد نمود ؟ حفظ دولت ما میکند ؟ مایه ما را نگاه میدارد ؟ ما را بیزت و استقلال میرساند ؟ آیا ملک دیگر هم ما را تحسین و اصدیل میشمارند ؟ دارای قدرت و عظمت میدانند ؟ به بینیم امروز ما دارای شأن و شوکتیم یا منالامه آلمان ؟ زیرا که آلمانیهای امروزی از نژاد همان جرمانیها هستند که زبان تاریخ عمومی دنیا اناترا و حوض شمالی نامیده که دولتی چون امپراطوری غرب و جمهوری رومیه الکبیرا که دولت مقتدر متصدن عالم بود برانداختند و انهمه صنایع و بدایع حیرت انگیز را که نتیجه زحمات چندین ساله مهندس عقل بدستباری نوع بشر بود بکلی محو و نابود کردند اساس و استقلال آن سلطنت بزرگ عالم را برهم زدند و شمع تمدن را که از انوار علوم و صنایع بر نصف جهان پرتو افکن شده بود بمقراض و حشیت سر زده و بیاد جهالة خاموش کردند و داغ حسرتش را بر دل جهان و جهانیان گذاشتند — امروز نتاج همانند که بر مرکب علم و دانش سوار و عمره علم را جولانگاه خود کرده اند پرچم عزت و افتخار را بر بام کردون کوفته و بمعنی حقیقی شرافت و نجابت بی برده اند و ورثه عزت و سیادت را بدست گرفته اند صنایع دلپذیرشان در همه عالم بدست میگردد

و دوست و دشمن بر نجابت و رشادتنان شهادت مدهند آیا ما را بزرگ میشمارند یا اناترا ؟ ما را محترم میگویند یا اناترا ؟ دو اینکه این قافله سعادت که در ظرف دوهزار سال بتدریج سیر میکند و در قطعات اروپا و نقاط امریک رحل اقامت کنوده ابتدای حرکتش از ایران بوده حرفی نیست و کوکب تابان علم و دانش را که طلوعش از مرکز آسیا بوده کسی منکر نیست . ولی اینمفاخرت ایدا بدرد امروزی ما نمی خورد علاج دردهای بیدرومان ما را نمیکند (از فضل پدر ترا چه حاصل) باید شرف امروزی را حاصل کرد وضع عالم تغییر کرده دوران طبیعت دوره دیگر پیش کشیده نجابت و پهلوانی قدیم باقدیمهارفت شرف امروزی در علم است و عزت فضیلت در فضل است و دانش مایه افتخار یکار نبودنت جوانمردی در سلب احتیاج بقیر است رشادت در تحصیل صنعت است حافظ استقلال ثروت و مال است نگهدار سلطنت قشون جرار آبادی مملکت عدالت آسایش رعیه امنیت منشأ تمام سعادت اجرا قاتون امروز صد رستم زان در چنگ دیو سفید شمال زبونست و هزار کرشاسب و سام طعمه نهنگ بحر جنوب کار خانه دنیا بچرخ علم و صنعت میگرد علوم تازه بازار رشادت قدیم را شکسته طوایف کوچک چون بلزیک و هلند و سویس بنیروی علم و دانش بر اتم عظیمه سیادت یافته سی هزار قشون انگلیس سیصد کرور نفوس هندوستان را چون کوی درخمن چونان اطاعت آورده و بهر طرف که خواهند میگردانند دول طماع حریص که پس از استعمار ارض بفکر استملاک کرده قر افتاده اند ما را آسوده نخواهند گذاشت مهمان دوروز ایم باین غفلة یقیناً طعمه بیگانگان خواهیم شد و ندامت سودی نخواهد بخشید — اگر درد وطن داریم اگر غیرت ایرا نیت در ما هست اگر شرف استقلال را می خواهیم اگر از فنا و زوال میترسیم باید دست و پائی کنیم و بشکر زندگی بیفتیم بلکه بتوفیق حق کلیم خود را از آب پدرا ریم باید باشتاب هر چه تمام تر باصلاحات مملکت خود بکوشیم و موجبات عزت و سعادت را بدست آوریم و بادویه علوم ناقصه رفع اینهمه امراض مهلك ملة و دولة را بنمائیم باید بدائیم که تا هر خیال را در علم شهود و متال نیاوریم و از هر قضیه نتیجه بگیریم هیچ صرفه نخواهیم دید و بحرف بجائی نخواهیم رسید مشروطیت حرفی حافظ استقلال ما نخواهد بود بسی نکات فنی و عملیات علمی در کار است که بیکراننداریم نه خود میدائیم نواز دیگران میشنویم اینهم مثل قفاخر بانار قدیمی است و مایه دلخوش کردن و از وضع زمان غفلت داشتن چنانکه ایندوره امروزی پیش بیناترا بیشتر از پیش مایوس کرده و وضع حاله ما را بقنار زوال نزدیک تر نموده بدبختانه دوسالست مملکت مشروطه شده روز بروز فلاکت ملة در تزیاید است و کشتی مملکت

بانه

۴۰ قران

۴۰ قران

۱۰۰ منات

۳۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

دینار

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

۱۰۰ فرانک

کردن بلوچستان از کرمان قرائت شد جمعی تصدیق داشتند که بواسطه بعد او از کرمان و اهمیت آن از بابت سرحد بودن و جهات عدیده دیگر تجزیه اش لازم است بعضی فعلا صلاح ندانستند عده اظهار داشتند که این لایحه باید برود بکمیسیون و زو ا هم حاضر شده ملاحظات خودشان را بنمایند بعد بیاید در مجلس قرار بر همین شد

راپورتی از کمیسیون وزارت خارجه قرائت شد در خصوص ۳۵۱ ذرع مربع زمین از اراضی سیستان که قونسلگری روس خواسته بودند برای بنای قونسلگری رای کمیسیون بر این شد که چون ملک خالصه است و وجه آن غیر قابل همین طور بقونسلگری دولت مشاوبه بر گذار وجه شود (اغلب تصدیق و تصویب نمودند) راپورتی از کمیسیون عدلیه در باب سالار مخم و اسراء قوچان قرائت شد که سردار معزز حاضر شده با هزار سوار خراسانی و چهار عراده توپ و ده هزار تومان پول از برای مخارج که اسرا را استرداد نماید و سالار هم حبس نظر باشد تا بعد هر چه صلاح دانستند با او معامله شود اظهار شد که این مطلب هنوز درست در کمیسیون تنقیح و تسویه نشده قرار شد که دوباره بر گردد بکمیسیون

راپورتی از کمیسیون وزارت داخله در خصوص انجمن بلدی و اخذ کردن او مالیات و عوارض راجحه باداره خود را و بستن میزان معنی مالیات برای درشکه و کالسکه و دو چرخه و چهار چرخه و امثال اینها در هر ماه بعضی تصدیق کردند که صحیح است بعضی گفتند که این هم اگر باید مذا کره شود بعد از رفتن بکمیسیون باید باشد گفته شد که کمیسیون تصویب نموده تلکرافتی از حجج اسلام عتبات در جواب تلکراف حجج اسلام دار الخلافه مبنی بر اظهار تشکر از اقدامات اعلیحضرت و اتحاد ایشان با مجلس مقدس قرائت شد

تلکرافتی از رشت در خصوص قتل صدیق الزعایا و توسط بعضی از قائلین او قرائت شد

تلکرافتی مبنی بر تشکی و تظلم و سوء رفتار عبد الرسول خان کلانتر سابق بوشهر و قنده و شرارت او و تابعین او در آنجا قرائت شد (مجلس ختم شد)

ترجمه تلکرافات خارجه

از لندن لرد کرو بعد از تصدیق تقریرات لرد لسن دن چنین اظهار داشتند که در ده سال اخیر مرابطات ما بادولة روس کلیتاً مایه اضطراب خاطر و اغتشاش احواس بود بلکه در چند موقع قریب بپیک و مقاتله گردید لکن بعد از امضای این معاهده آروابط بی اندازه مطبوع و بر وفق مرام است بعقیده من کویا لرد کارزون تفوذ دولة روس را در ایران قبل از انعقاد این معاهده بنظر حقارت

بترزل و خود يك بار ما ترا انهم باینو وضع مکنی از همه چیز میدانیم نه مجلس سنا تشکیل داده ایم نه ادارات منظم داریم نه شعبات عدلیه را دایر کرده ایم نه محکمه تمیز صورت داده ایم نه مدعی عموم معین کرده ایم نه قانون جاری شده نه بانک ملی داریم نه قشون ملی گرفته ایم نه توسعه معارف داده ایم نه عدالت خانه داریم نه وزارت خانه داریم نه فکر تجاریم نه بخیال فلاحات این اغتشاشات سرحدات این انقلاب ولایات این نداشتن مجازات این نبودن امنیت این بیچارگی رعیه ان اهدار دماه و اتلاف نفوس ان سلب اموال و هتک ناموس ان مخاطرات معاهده انگلیس و روس شبان غافل روه بیصاحب کرک در که مملکت در خطر غنیم منظر وقت تنگ فرصت کم موقع باریک بیانه بسیار کار خراب ترتیب نامعلوم نه مشروطه است نه مرج و مرج نه مستبده نه مستقله نه مقننه جاو ریست شتر کاو پلنگ نه داورس معلوم نه بفریاد رس معین جهالت مله است بی علمی حضرا تست ملاحظات شخصی است ؟ اغراض نفسانیت ؟ عدم رفتار بوظیفه است نبودن اتحاد مله است ؟ اختلاف آراء بزرگانست همراه نبودن وزارت همه احتمالی میرود تا عاقبت کار این یکمشت مردم بدبخت بکجا کشد و که بفریادشان رسد

خلاصه مذاکرات دارالشوری سه شنبه ۲۲ محرم

دستخط اعلیحضرت در خصوص رسیدن تلکراف سرحدی و اظهار اقدامات ملوکانه و اتحاد و همراهی با مجلس مقدس قرائت شد تلکراف مزبور هم قرائت شد که فریق پاشا با عساکر عثمانی از ساوجبلاغ به بشوه رفته و عشار هم از این حرکت نادم و پشیمان گشتند اظهار تشکر و امتنان از بذل توجه اعلیحضرت شد گفته شد که مجلس اظهار تشکر در مقابل هاتقدر اقدام و مساعدت می نماید که بظهور رسیده هنوز بعضی از نقاط خاک ایران که مثل متنازع فیه نیست در تصرف عساکر عثمانیت از قبیل مرکور و ترکور و سفز و بانه و غیره و امیدواریم که حقیقین له الحق قرار گرفته اختلاف سرحدی هم بزودی رفع بشود اظهار تشکر از وزیر امور خارجه و کمیسیون سرحدی و محتشم السلطنه و از اقدامات دول متحابه شد گفته شد که چون بنای نظم عالم بر مجازات و سیاست است کسانی که باعث بر ترمرد و طغیان عشار شده اند در صورت تحقیق خوبست مجازات شوند اظهار شد که باز مقتدین و مفسدین دست از کار نکشیده مشغول بالقضاء شبهه و سوسه در قلب اعلیحضرت هستند ولی دیگر نمیتوانند واهی پیدا کنند این شبها در مسجد خیابان مریشخانه انجمنی کرده میکنند هر کس اسم مشروطه ببرد باید زبانش را برید با این اتحاد و مساعدت اعلیحضرت این مفسدین را از ساحت قدس خودشان خوبست دور فرمایند گفته شد که این جلوی کبرها بانظربه است لایحه در باب تجزیه

و بی اعتنائی نکرسته هرگاه کمان ایشان بران بود که دولت انگلیس میتواند قرار معاهده را بطور تحکم بادولت روس بدهد کزیا از جاده انصاف و آنچه موافق باواقعات بوده خارج شده باشد اگر بگوئیم که دولت روس هیچ منافع و قوذی در جنوب ایران ندارد هرآینه مقرون بسدق و صحت نخواهد بود چه که دولت معظم تاحدی کفیل مخارج جهازانی شده است که در حدود خلیج فارس سیر مینماید بملاوه زغال قونواسگری در پوشهر و سایر نقاط جنوبی مقرر داشته

لرد کارزون شکایت نمود که دولت جواب اعتراضات معزی الیها در خصوص ایران نگفته و ایغطلب را باطلاع حضار مجلس رسانید که روزنامه نوراورومیا اول روزنامه روس در ضمن مقاله حذف و فقدان اسم خلیج فارس را مخصوصاً نیک شمرده و تهیت میگوید چه که بمقیده روزنامه مزبور راه نیل بمقصود بجهت دولت روسیه باز مانده است بالاخره این مسئله ختم گردید

ازلندن بین دولتین فرانسه و انگلستان عهدنامه معتقد و معضی گردید که بعد از تسویه مسائل متنازع فیه و رفع اختلافات مابین را بوسیله حکمت بناید

در نظر برغ مسئله احضار سفیر کبیر روسیه را از وینه تکذیب نموده اند

روزنامه انگلیس عموماً از مباحثه مجلس لردها در خصوص معاهده چنین نتیجه گرفته اند که رویمهرفته این معاهده مطبوع و موجب رضایت است

خواتین حقوق طلب بایتمهید دخول مجلس منی را در نظر داشته که در چند عماره بارکش نشسته تادرب مجلس آمدند ولی در موقع پیاده شدن مامورین پلیس مطلع شده و گرفتار گردیدند و ۵۷ نفر از آنها را بمحبس بردند

ازلندن وزیر خارجه دولت آلمان در محضر کمیون مایه مجلس باولمان چنین اظهار نموده دولت آلمان چیزی را که در مراکش طلب است اجرای اصول فتح الباب تجاریت عموم است و در اینستله از وفای عهد و صداقت دولت فرانسه نهایت رضایت را داریم اما معاهده روس و انگلیس ابداً مضر منافع اقتصادی دولت آلمان در ایران نمیشد زیرا که کیانی آلمانی حاضر است که بمحض حصول اطمینان و ضمانت لازمه از دولت عثمانی شروع بامتداد قسمتی از راه را آهن بنهاد نماید

بنابر اطلاعات واصله از اسلامبول تخیله ساوجیلاغ از قشون عثمانی رسماً اطلاع داده شد انجام اینستله از قرار مذکور از نتیجه اقدامات سفیر کبیر ایران در اسلامبول بوده این خبر کذب بواسطه پولها نیست که از قشون عثمانی بمخبران رسیده است

دروایات و آن جنک سخنی بین قشون عثمانی و شورشیان ارامنه واقع شده ارامنه مزبوره چندین نارنجک بکار برده و از طرفین جمع کثیری مقتول و مجروح شدند وزیر خارجه آلمان در خاتمه نطق خود در کمیون مایه چنین گفته که دولت آلمان فقط مقید باین است که منافع تجاریت خویش را در مملکت ایران حفظ نماید لهذا باینجه بیداری مواظبت موقع مغتنم خواهد بود که بعضی مشاغل و منافع در آتمملکت پهمده گردد دیگر آنکه راه آهن بغداد بنا بر آنکه امتیازش را کیانی آلمان گرفته و سایر دول نیز پهمده شناخته اند از امتیازات خاصه آلمانست شراکت سرمایه داران خارجه در این امتیاز بالظیمه ممنوع نیست لکن باین شرط که حیث آلمانی آنجه بیوسته مصون و محفوظ ماند

سرگری وزیر خارجه انگلیس در مجلس منی بیان نمود که مسئله تحدید حدود بین مملکتین ایران و عثمانی هنوز توجه نظر و دقت اولیای دولت را جالب و مستحق است چه که تاکنون ترقی و پیشرفت در اینر حله نشده و قشون عثمانی هنوز قسمتی از خاک طلق ایران را در تصرف دارند

(اعلان)

سه قطعه اراضی جنب یازک جناب مستطاب اجل اکرم آقای حاج امین الدوله دام اجلاله که از مرغوبترین اراضی دروازه شمیران است بقرار شرح ذیل موجود و بقیمه عادلانه خیره بفروش میرسد هرکس طالب باشد بداره جبل المتین یومیه رجوع نماید قرار قطع عمل داده میشود

زمین محصور چینه کشیده که مخصوص باغچه آماده شده است تقریباً (یکهزار و هفتصد ذرع)

زمین محصور مشجر جنب مریمضخانه یکنی دنیائی متصل بیازک تقریباً (هشتمزار ذرع)

زمین پشت خاکریز که حدی بخجایان و دیوار یازک است تقریباً (بشش هزار ذرع)

(اعلان)

چندی بود بواسطه بعضی از مشغلهها از خدمتگذاری ابناء وطن محروم مانده این اوقات الحمدالله ملت پرستی و وطن دوستی در اهالی مملکت شایع گشته لهذا این بنده کتنام با بضاعت مزجاة مجلس مشق ترتیب داده در محله سنگلج در پشت میدان مشق و در گذر تقی خان بشیوه و سبک مرحوم استاد الکل فی الکل میرزا رضای کلهر رحمه الله علیه روزهای دوشنبه و پنجشنبه تعلیم داده میشود و از جهة ورود بمدارس عالی هم مضایقه ندارد

(میرزا سید محمود صدرالمالی)

(حسن الحسینی الکلشانی)